

نقد تاریخ‌نگاری پان‌ترکی

نگاهی به شیوه‌ها و روش‌های تاریخ‌سازی پان‌ترک‌ها

محبوبی برزویی



انتشارات ایران شناسخت

تبریز - ۱۳۹۶

سرشناسه : برزویی، مجتبی، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور : نقد تاریخ‌نگاری پان‌ترکی: نگاهی به شیوه‌ها و روش‌های تاریخ‌نگاری پان‌ترک‌ها/ مجتبی برزویی؛ ویراستار ماریا گیلزادکهن.

مشخصات نشر : تبریز: ایران شناخت، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری : ۳۲۹ ص.

شابک : 978-600-8490-09-8/۳۰۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست : فیبا

نویسی

یادداشت : کتاب حاضر با حمایت موسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن منتشر شده است.

موضوع : پان‌ترکیسم -- تاریخ نویسی

موضوع : Pan- Turkism -- Historiography

شناسه افزوده : گیلزادکهن، ماریا، ۱۳۵۴ -، ویراستار

شناسه افزوده : موسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن

رده بندی کنگره : DS۱۰۰/د ۱۳۹۶۷

رده بندی دیویی : ۵۴۰/۹۵۶۰/۳۳۰

شماره کتابشناسی : ۶۷۵۸۳۳

ملی



مؤسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن

انتشارات ایران شناخت

نام کتاب نقد تاریخ‌نگاری پان‌ترکی (نگاهی به شیوه‌ها و روش‌های تاریخ‌نگاری پان‌ترک‌ها)

تألیف: مجتبی برزویی

ناشر: انتشارات ایران شناخت

چاپ اول: ۱۳۹۶ شمارگان: ۱۰۰۰ صفحه ۳۲۹ قطع: رق

محل نشر: تبریز چاپ و صحافی: سفیر اردال قیمت: ۳۰۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-8490-09-8

مرکز پخش و فروش:

تبریز: خ ارتش خ پاستور جدید ساختمان صدرا طبقه ۷

تلفن: ۳۵۴۲۳۹۲۲ - ۰۴۱

تهران: مؤسسه تاریخ و فرهنگ دیار کهن ۱۹ - ۲۲۲۷۸۷۱۸ - ۰۲۱

فهرست مطالب

۱۱.....	یادداشت دبیر مجموعه.....
۱۷.....	پیشگفتار.....
۳۱.....	فصل اول: ترکان و ایرانیان در گذر تاریخ.....
۳۲.....	پان ترک‌م و گوشه‌هایی از مناسبات ایرانیان و ترکان در دوران پیشااسلامی.....
۴۲.....	امپراتوری‌ها و رت‌ها برگ در تاریخ.....
۵۴.....	تلاش تاریخ‌نگاری ترک بر روی ربط دادن هخامنشیان و کوروش به یهودیان بابل.....
۷۰.....	پان ترک‌م و گوشه‌هایی از مناسبات ایرانیان و ترکان در دوران اسلامی.....
۱۰۲.....	تحریف تاریخ بایک خرم‌دین در تاریخ‌نگاری پان‌ترکی.....
۱۱۵.....	فصل دوم: پان ترک‌م ایدئولوژی ساختن در غرب.....
۱۱۶.....	یهودیان و پردازش نظریه پان ترک‌م در اروپای سده نوزدهم.....
۱۲۶.....	آرتور لوملی دیوید یهودی انگلیسی.....
۱۳۷.....	لئون کاهون یهودی فرانسوی.....
۱۵۲.....	آرمینیوس وامبری یهودی مجارستانی.....
۱۶۹.....	فصل سوم: ترک‌زبانان ایران در دو سده گذشته.....
۱۷۰.....	تحلیل افراطی پان ترک‌ها از سلسله قاجار و سیاست ایران.....
۱۷۵.....	تحلیل اصلاح‌طلبی و تجددخواهی قاجارها.....
۱۹۲.....	تحلیل جنبش مشروطه و نقش آذربایجانی‌ها در سیاست ایران.....
۲۱۱.....	تحلیل افراطی پان ترک‌ها از شرایط سیاسی - اجتماعی عصر رضاشاه.....

۲۴۳	فصل چهارم: تاریخ‌نگاری اینترنتی پان‌ترکی و نقد سومرگرایی پان‌ترک‌ها
۲۴۴	تاریخ‌نگاری اینترنتی و پان‌ترکیسم
۲۷۷	طرح پدیده موهوم راسیسم فارس، پان‌فارس‌یسم و پان‌ایران‌یسم در اینترنت
۲۸۰	نقد منابع و روش‌های تاریخ‌نگاری پان‌ترکی
۲۸۴	زبان سومری و تاریخ‌نگاری پان‌ترکی
۲۹۹	نتیجه
۳۰۱	منابع
۳۲۱	نمایه

فهرست مطالب

۱۱.....	یادداشت دبیر مجموعه.....
۱۷.....	پیشگفتار.....
۳۱.....	فصل اول: ترکان و ایرانیان در گذر تاریخ.....
۳۲.....	پان ترکیسم و گوشه‌های تاریخی از مناسبات ایرانیان و ترکان در دوران پیشااسلامی.....
۴۲.....	امپراتوری‌ها و دولت‌ها بزرگ در تاریخ.....
۵۴.....	تلاش تاریخ‌نگاری پان‌ترکی برای ربط دادن هخامنشیان و کوروش به یهودیان بابل.....
۷۰.....	پان ترکیسم و گوشه‌هایی از مناسبات ایرانیان و ترکان در دوران اسلامی.....
۱۰۲.....	تحریف تاریخ بابک خرم‌دین در تاریخ‌نگاری پان‌ترکی.....
۱۱۵.....	فصل دوم: پان ترکیسم ایدئولوژی ساخته‌شده در غرب.....
۱۱۶.....	یهودیان و پردازش نظریه پان‌ترکیسم در اروپای سده نوزدهم.....
۱۲۶.....	آرتور لوملی دیوید یهودی انگلیسی.....
۱۳۷.....	لئون کاهون یهودی فرانسوی.....
۱۵۲.....	آرمینیوس وامبری یهودی مجارستانی.....
۱۶۹.....	فصل سوم: ترک‌زبانان ایران در دو سده گذشته.....
۱۷۰.....	تحلیل افراطی پان‌ترک‌ها از سلسله قاجار و سیاست ایران.....
۱۷۵.....	تحلیل اصلاح‌طلبی و تجددخواهی قاجارها.....
۱۹۲.....	تحلیل جنبش مشروطه و نقش آذربایجانی‌ها در سیاست ایران.....
۲۱۱.....	تحلیل افراطی پان‌ترک‌ها از شرایط سیاسی - اجتماعی عصر رضاشاه.....

فصل چهارم: تاریخ‌نگاری اینترنتی پان‌ترکی و نقد سومرگرایی پان‌ترک‌ها.....	۲۴۳
تاریخ‌نگاری اینترنتی و پان‌ترکیسم.....	۲۴۴
طرح پدیده موهوم راسیسم فارس، پان‌فارس‌یسم و پان‌ایران‌یسم در اینترنت.....	۲۷۷
نقد منابع و روش‌های تاریخ‌نگاری پان‌ترکی.....	۲۸۰
زبان سومری و تاریخ‌نگاری پان‌ترکی.....	۲۸۴
نتیجه.....	۲۹۹
منابع.....	۳۰۱
نمایه.....	۳۲۱

پیشگفتار

دستیابی یک کشور به استقلال بدون پرداخت هزینه‌های گزاف و گاه خونین و دردناک، ناشدنی است. نه تنها امروز، بلکه در گذشته هم مردمان گوناگون از نژادهای زرد و سیاه و سفید برای پاسداشت سروری خود و استقلال شهبانان از دریا‌های خون گذشته‌اند و تاریخ، همواره گواه این جانفشان‌های بی دریغ ملت‌ها بوده است.

ایرانیان نیز در پس‌های تاریخی گوناگون، به ویژه در دو سده گذشته بارها برای استقلال کشور و حفظ مذهب شیعه با بیگانگان و خودکامگان داخلی درآویخته‌اند و سناور آنان از این خیزشها، برپایی نظام اسلامی کنونی است. در طول این دو سده و در هر نخست سده بیست و یکم میلادی، دشمنان ایران - که باید آنان را به دهنه نار منطقه‌ای و منطقه‌ای تقسیم نمود - همواره کوشیده‌اند از سه راه درگیری رو در رو و جنگ، محاصره اقتصادی و ایجاد نارضایتی در میان توده‌های ایرانی، به ریزش با ایران بپردازند و بهای استقلال کشور را چنان بالا ببرند که دولتمردان را ناگزیر از دنباله‌روی سیاست‌های آنان شوند و خواست‌های ناروایشان را برآورده سازند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همسایگان ما و از آن میان کشور عراق به نمایندگی از اعراب، در روزگار چیرگی بعضی‌ها یک بار کوشیدند از راه جنگ به استقلال و سروری ایرانیان آسیب برسانند ولی با فداکاری حماسه‌سازان این مرز و بوم، ذره‌ای از خاک سپند ایران از دست نرفت. در پی این جانفشانی‌ها گمان نمی‌رود که اعراب، دست کم تا یک سده آینده بتوانند اندیشه تهاجم دیگری را به ایران در سر بپرورانند.

گذشته از آزمون جنگ اعراب، خوشبختانه دیگر همسایگان ایران و نیز حوزه تمدنی غرب، تا کنون راهکار جنگ با کشور ما را در پیش نگرفته‌اند ولی هم‌زمان از تحریم اقتصادی ایران نیز دریغ نورزیده‌اند. این تحریم‌ها از همان آغاز برپایی نظام جمهوری اسلامی ایران اعمال گردیده و در چندین سال گذشته تنها بر گستره و دامنه‌شان افزوده شده است.

ما به رغم زیان‌هایی که اعمال این تحریم‌های ستمگرانه بر اقتصاد و روند پیشرفت کشور وارد ساخته، تا کنون به خوبی در برابر آنها ایستاده است و ده‌ها نشانه‌ها گویای آن است که دشمنان نتوانسته‌اند از این راه‌ها به همه خواسته‌های خود و اهداف استیزانه خود برسند. بدین‌سان راه سوم یا همان ایجاد نارضایتی در توده‌های ایرانی، تنها زمینه‌ای است که دشمنان فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای ایران امیدوارند با نه‌تن آفرینی در آن برای تکه تکه کردن کشور و آفرینش واحدهای سیاسی کوچک و بزرگ و بهره‌برداری و نو مستعمره‌هایی همچون قطر، کویت و به اصطلاح جمهوری آذربایجان گام بردارند.

گزینش این راه از روی تفنن و تصادف نبود است؛ بلکه فراوانی و گوناگونی گروه‌های زبانی- مذهبی ساکن در کشور ما هر دو دسته از دشمنان و بداندیشان فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای ایران را به ارزیابی توان هفتم این گروه‌ها و بهره‌برداری از آن واداشته است.

این نخستین بار نیست که هر دو دسته دشمنان ایران، اندیشه تحریک گروه‌های زبانی- مذهبی کشور را دنبال می‌کنند. حقیقت این است که از آغاز دو سده گذشته تاکنون قدرت‌های سیاسی بزرگ از جمله روسیه، نماینده اصلی تمدن اوراسیایی، حوزه تمدنی غرب و در سده گذشته حکومت عثمانی تصمیم به بهره‌برداری از توان نهفته گروه‌های زبانی- مذهبی ایران گرفتند. در

این راستا ناگهان نگاه مأموران کارآزموده بیگانه متوجه زبان، تاریخ و فرهنگ کردان، بلوچ‌ها، لر‌ها، ترک‌زبانان و عرب‌زبانان ایران گردید و هم‌زمان سرمایه‌گذاری برای شناخت فرهنگ و زبان این گروه‌ها آغاز شد.

در طول دو سده گذشته شبکه پیکره‌مندی از نمایندگی‌های بازرگانی غربی، دوسی، گروه‌های دین‌گستر مسیحی، دبستان‌ها و دبیرستان‌های فرقه‌های مذهبی جهانگردان، دیپلمات‌ها و کارگزاران سیاسی، مستشاران و کسان دیگر به سراسر آسیا و از آن میان به کشور ما آمدند و به بررسی اقتصاد، سیاست، فرهنگ، زبان و هویت مردم ما پرداختند. برای نمونه صدها تن از روس‌ها (بیشتر افسران ارتش برای با ظاهر جهانگردان) و تعداد بیشتری مأمور و گماشته انگلیسی و اروپایی، امریکایی پیوسته در آسیا و ایران در رفت‌وآمد بودند.

پس از جنگ جهانی دوم، کشورها، مسایه (بیشتر کشورهای عربی و ترکیه) و قدرتهای فرامنطقه‌ای چون اتحاد شوروی و مجموعه غرب به همراه حکومت نوپدید عبری، شیوه‌های پیشرفته‌تری را در این زمینه در پیش گرفتند و هرکدام از آنها برای ناتوان‌ساختن و تجزیه ایران، به سرانگشت گروه‌های زبانی - مذهبی کشور علاقه نشان دادند.

عثمانی نیز در دوران ترکان جوان و به ویژه پس از برپایی تسکال‌های پان‌ترک مانند «جمعیت اتحاد و ترقی» و «ترکان جوان» بیش از پیش به مردمان ترک‌زبان ایران توجه نشان داد. پیامدهای ارزیابی مأموران بیگانه از گروه‌های زبانی - مذهبی کشور ما با شتاب از مرز بررسی علمی و ارائه ساده‌گزارش یک سفر فزاینده رفت و در برنامه‌ریزی‌های سیاسی کلان قدرت‌های جهانی نسبت به جوامع و کشورهای جهان و از آن جمله ایران، جایگاه خاص خود را

یافت.

به زودی آشکار شد که روس‌ها، انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها و حتی حکومت مثلاً اسلامی عثمانی به دلایل بسیار پیچیده سیاسی به سرنوشت علی محمد باب و میرزا حسینعلی نوری و حرکات و اقدامات بابی‌ها و بهایی‌ها بی‌اندازه علاقه‌مند و کنجکاو هستند. پشتیبانی صریح سیاسی روس و انگلیس از مذهب تازه باب به همراه همدردی مطبوعات غربی با به اصطلاح پیروان ستم‌دیده این فرقه، پشتیبانی انگلیسی‌ها از نافرمانی اسماعیلیان ایران و نفوذ بیش از اندازه آنان در سطح نخبگان عرب‌زبان خوزستان و عشایر کرد و بلوچ نشانه تلاش قدرت‌های جهانی برای بهره‌برداری از این گروه‌هاست.

در کنار تلاش دولت‌های جهانی بایستی به شیطنت قدرت منطقه‌ای وقت یعنی عثمانی و مماشات سلطان و دقیقاً - سابق‌شده کارگزاران آن حکومت نسبت به بابی‌ها و بعدها بهائی‌های پدیدشده به اراضی آن کشور و کمک غیرمستقیم به ایشان، به‌ویژه پس از قدرت گرفتن «ترکان جوان» توجه داشت. در حقیقت عثمانی پیش از برآمدن تمدن غرب از سران مأموران سیاسی خود همیشه در پی دخالت و رخنه در میان عشیره‌های خدیشنی مذهب غرب آذربایجان بود و بعدها با پیدایش پان‌ترکیسم به تبلیغات برای گسترش زبان و هویت ترکی در میان ترک زبان‌های ایران پرداخت.

عثمانی‌ها پس از به راه انداختن ۳۸ جنگ کوچک و بزرگ با ایران و پس از ناکامی در برداشتن ایران از سر راه توسعه‌طلبی‌های به ظاهر مذهبی خود برای برپایی خلافت اسلامی (در واقع سروری ترکان بر همه مسلمانان) این بار می‌کوشیدند نه در میدان جنگ بلکه از درون، جامعه ایران را از هم بپاشند و به دست خود ایرانیان موجب نابودی این کشور گردند. مهمترین اقدام عثمانی

برای تجزیه ایران و گسترش پان ترکیسم در میان ترکمن‌ها و آذربایجانی‌های ایران زیر پوشش فریبکارانه «اتحاد اسلام» و با نقش آفرینی سازمان جاسوسی ترکان جوان به نام «تشکیلات مخصوصه» طی سال‌های جنگ جهانی اول خلاصه می‌شود و جالب اینجاست که یکی از مهمترین جاسوسان پان‌ترک‌ها در تهران آن زمان محمد امین رسول‌زاده نخستین رئیس‌جمهور کشور جعلی جمهوری دموکراتیک آذربایجان بود.

مجموعه این اقدامات، نشانه ورود عملی قدرتهای یادشده به مرحله تحریک گروه‌های زبانی - مذهبی کشور ایران است. در این میان، اهمیت ناحیه آذربایجان و جایگاه ساکنان آن در سرنوشت کشور موجب شده است که قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنته‌ای، بکوشند برنامه‌های شوم و ایران‌ستیزانه خود را در دوران کنونی متوجه این ناحیه ساکنان آن نمایند. اهمیت آذربایجان و مردمان ترک‌زبان ساکن آن در دو سده گذشته تاریخ ایران همواره دستخوش تغییراتی بوده است که بسته به فراز و نشیب، آن تغییرات، کم و زیاد شده است. ریشه‌های اهمیت آذربایجان و ساکنان ترک‌زبان در رونگار صفویه، جایگاه سیاسی خانقاه اردبیل و پایتختی تبریز در عصر قراقیونلو و آق‌قویونلو و نیز برپایی حکومت صفوی باز می‌گردد. در عصر قاجار، تبریز در دامنه‌های جنوبی البرز جایگاه سیاسی برتری یافته بود و آذربایجان را به رسم - ایگ - با اهمیتش در بازرگانی ایران با روسیه، عثمانی و اروپا و نیز به خاطر نقشی که نخبگانش در ادامه جنبش مشروطه و نه ایجاد آن بازی کرده بودند، رفته رفته به آرامی از تأثیرگذاری در سرنوشت کشور از میدان به در می‌کرد.

از سوی دیگر نقش ستایش‌برانگیزی که آذربایجان در راستای حفظ تمامیت ارضی و منافع ملی ایران در دو سده گذشته بازی کرده بود، موجب

پیوستگی هرچه بیشتر سرنوشت ترک‌زبانان این استان با دیگر ایرانیان و تحکیم بی‌سابقه جایگاه مردم آن منطقه و ساکنان دیگر نواحی ترک‌زبان کشور در جامعه ایرانی گردیده و آن را به خوبی تثبیت نموده بود.

روند روزافزون پیوستگی آذربایجان و مردمان ترک‌زبانانش با سرنوشت ایران و ایرانی آنچنان نیرومند و معنادار بود که در دوران حساس پیش‌آمدن مسلمانان مدرن، تجزیه امپراتوری‌ها و برآمدن ناسیونالیسم قومی، هرگونه زمینه درونی و اصلی جدایی این نواحی از کشور را خود به خود از میان برداشته بود.

از آنجا که ایران در میانه حوزه تمدن اسلامی واقع شده است، همسایگان مسلمانانش در روزگار کرنی توان تهدیدکنندگی دوگانه‌ای را نسبت به آن دارا هستند. دوگانگی این توان تمدن‌کننده در دو شکل مذهب و ناسیونالیسم معنا می‌یابد.

تا پیش از تسلط تمدن غرب بر سراسر جهان اسلامی، ایران تنها در معرض تهدید مذهبی اهل سنت (عثمانی و ازبکان به طور آشکار و مغولان کبیر هند به طور نهفته) قرار داشت. در آن زمان اعقاب، سروی سیاسی خود را از دست داده و زیرمجموعه سیاسی ترکان عثمانی به شهر می‌آمدند و در سراسر جهان اسلام، کشور ایران تنها با ترکان سنی مذهب روبه‌رو بود. نبوغ سیاسی و کشورداری ایرانی موجب شد که ترکان عثمانی و ازبکان نتوانند موجودیت ایران را از میان بردارند.

به عبارت دیگر رقابت و کشمکش میان قدرتهای بزرگ اسلامی در دوران پیشاستعماری، رقابت بر سر زبان و نژاد و برتری نژادی نبود و بیشتر، نزاعی میان شیعه و سنی و یا نبرد طبیعی قدرت (برپایه مؤلفه‌های سیاست شرقی) به

شمار می‌رفت. کشمکش‌ها و رقابت‌هایی از این دست، گاه میان دو قدرت سنی مذهب هم رخ می‌داد؛ چنان‌که در درگیری‌های دامنه‌دار حکومت عثمانی با سلسله‌های آق‌قویونلو و ممالیک مصر شاهد آن هستیم.

ولی تأثیرگذاری غریبان بر سرنوشت مسلمانان در سده گذشته وضعیت دیگری را برای کشورهای اسلامی رقم زد؛ قدرت تعریف‌شده بر پایه سیاست شرقی، آرام آرام مؤلفه‌های خود را از دست داد و ویژگی‌های سیاست مدرن (تعریف‌شده در تمدن غرب) را به خود گرفت که در آن نه تنها مذهب بلکه ویژگی‌های دیگری همچون زبان و نژاد نیز در تعریف هویت ملت‌ها اهمیت داشتند و این ویژگی‌ها به‌تدریج به‌تدریج پیرنگ و بااهمیت بودند که گاه حتی مذهب نیز فروتر از آنها قلمداد می‌شد.

شرایط شگفت‌آوری برای مسلمانان بدید آمد که در آن ملت‌های مسلمان نه تنها هویت خود را با مؤلفه‌های غربی تعریف می‌کردند بلکه بیشتر اوقات، مذهب را هم در خدمت همان مؤلفه‌ها تکرار می‌دادند و در رویکرد خود با همسایگان مسلمانشان هم همین هویت مارن را معیارهای غربی را لحاظ می‌نمودند و این شیوه تعریف هویت نوین برای ملت مسلمانانی در برابر ملت مسلمان دیگر همچنان ادامه دارد.

موج پیدایش هویت تازه، نخست ترکان و سپس اعراب را در بر گرفت و دیرتر از این دو به ایرانیان رسید؛ زیرا عثمانی به عنوان کشور همسایه قدرت‌های غربی و توده‌های عرب به مثابه مستعمرات اروپاییان زودتر از ایرانیان با سیاست غرب درآمیختند. از سوی دیگر ایرانیان هویتی ایرانی در دوره پیشااسلامی دارا بودند که پیوندی مستقیم با چهارچوب مفهوم «ایران‌شهر» داشت ولی ترکان و اعراب، فاقد این مشخصه هویتی بودند و هیچ‌کدام

«عرب‌شهر» یا «ترک‌شهر» نداشتند و طبعاً از خودآگاهی قومی، حتی در حد و اندازه‌های شرقی و مشابه نوع ایرانی آن هم برخوردار نبودند. چنان‌که ساکنان ترک-امپراتوری عثمانی، تا پیش از آشنایی با هویت قومی نوین، بی‌آنکه میهن باستانی ترکی داشته باشند، خود را عثمانلی یا تبعه حکومت عثمانی می‌دانستند و اعراب هم با وجود داشتن آگاهی به هویت عربی و «عروبت» خویش، وطن ع.بی.کهن نداشتند؛ درحالی‌که ایرانیان، نه تنها خود را ایرانی در برابر ایرانی می‌دانستند، بلکه دارای مفهوم «ایران‌شهر» یعنی کشور یا میهن ایرانی نیز در کارنامه خود به یاد داشتند. این نکته‌ای است که کهنه جاسوس استعمار، وامبری یهودی، به خورشید در بافته و در کتاب خاطرات خود آشکارا از آن یاد کرده است.

درحالی‌که ایرانی‌گری شرقی و سنتی ایرانیان - که به شیوه‌ای زیبا و ظریف در طول سده‌ها با دین اسلام یکی از دو مذهب اساسی آن یعنی تشیع سازش یافته بود - به گونه‌ای ثابت و استقرار پسیده بود و مردم ما نوعی استغنا از جستجوی هویت ملی بیشتر در خود احساس می‌کردند و دیگر در مقام جستجوی هویت گسترده‌تر قومی نبودند، اعراب و ترک‌ها برای پر کردن دو خلأ قومیتی و «عرب‌شهری» و «ترک‌شهری» خود و نیز پان‌برش هویت نوینی جدای از مذهب به نام «ناسیونالیسم» که از سوی تمدن غرب تعریف شده بود، مستعدتر از ایرانیان بودند.

درست به همین دلیل است که ناسیونالیسم ترک و عرب، با سرمایه‌گذاری غرب، زودتر از ناسیونالیسم ایرانی شکل گرفت و در محتوا و هدف، بسیار تندتر و افراطی‌تر از نسخه ایرانی آن (که وجهه نظرش بیشتر جلوگیری از توسعه‌طلبی غرب و روسیه بود) از آب درآمد؛ به طوری که بعدها زمینه

مطلوب و مناسبی برای پان ترکیسم و پان عربیسم گردید.

نخستین میوه این تحول تازه عصر تجدد یعنی تعریف هویت بر پایه زبان و نژاد در میان ملت‌های مسلمان، گسترده‌تر شدن شکاف میان آنان بوده است. تفاوت در مذهب که در گذشته و پیش از تصادم با غرب، تنها عامل شکاف میان مسلمانان بود، توان بالایی برای رقابت‌های اقتصادی - سیاسی ایجاد نمی‌کرد. از این رو هویت کهن بر پایه مذهب با ورود هویت جدید به صحنه، جای خود را به تفاخر زبانی، برتری‌جویی نژادی، ورود به دسته‌بندی‌های جهانی عمدتاً طراحی شده توسط غرب و حساسیت نسبت به مالکیت جغرافیایی نواحی راهبردی و ... می‌داد. آن تلاش برای کنترل منابع انرژی داد.

به عبارت دیگر هویت نرین شکل گرفته بر پایه ناسیونالیسم مدرن به شکلی بی‌سابقه بسیار بیشتر از تفاوت مذهبی شرقی، شکاف و دوگانگی میان کشورهای شرقی را گسترده‌تر ساخت. گروه‌های بزرگ مسلمان را به جان هم انداخت. ذکر یک مثال ساده، فهم این مطلب را برای ما آسان می‌سازد: تصور کنید که در سده پانزدهم میلادی حکومت عثمانی به دلیل اینکه فرمانروای شرق یعنی پادشاه ایران رهبر کشور رسماً شیعه و مذهب ایران بود، با وی رقابت داشت. در چنین حالتی معمولاً رقابت دو کشور به سه شکل جنگ، قطع رابطه و یا صلح تعریف می‌شد اما امروزه ترکیه خود را مدافع حقوق ترکان جهان می‌نامد و اگر رسماً هم ادعای پان ترکیسم نداشته باشد، سازمان‌هایی سیاسی و فرهنگی در آن کشور در راستای تحریک ترک‌زبانان ایران، تلاشی از جنس پان ترکی می‌کنند و در مقابل، ایران نیز ابزارهایی دارد و می‌تواند با تحریک کردها یا علوی‌های آن کشور به مقابله به مثل پردازد و در نتیجه کشمکش میان دو کشور در عصر جدید از حالت مشابه دوران صفوی -

عثمانی فراتر رفته و شکل پیچیده‌تری به خود می‌گیرد.

نظیر این حالت میان ایران و اعراب هم صدق می‌کند و این شرایط، نتیجه پذیرش تعریف مدرن هویت ملی توسط مسلمانان است.

در پرتو این شرایط تازه، ناسیونالیسم ترک و عرب با ایران و ایرانیان از در ستیز و رقابت درآمدند. در دوران معاصر، رفتار توأم با سوءظن ترکیه و سمنی شدید اعراب نسبت به ایران نوین از نمودها و نتایج این پدیده است. به این ترتیب سخن گزاف و اغراق‌آمیزی نگفته‌ایم اگر ادعا کنیم که در دوران اخیر، ناسیونالیسم ترک و عرب پس از نابودی امپراتوری عثمانی، پیوسته برای نابودی و تجزیه ایران کوشیده‌اند.

نکته جالب اینجاست که تفاوت مذهبی کهن که تنها یادگار اختلافات و رقابت‌های دوران پیش از اسلام میان جوامع اسلامی بود، اکنون خود تشدیدکننده و کاتالیزور تعاریف جدید هویتی یعنی ناسیونالیسم و پان‌گرایی الحاق‌گرایانه ترک و عرب و حتی شبه‌فارسی‌پشتونی بر ضد ایران شده است.

امروزه دشمنی متولیان افراطی و تندروی واهی‌ها و گروه‌های سلفی با هستی و موجودیت کشور کهن و واحدی سیاسی به نام ایران، از شکل اخوانی آن گرفته تا قرائت‌های سلفی و وهابی به هیچ وجه کم‌رنگ‌تر خصوصیت ناسیونالیسم و پان‌گرایی افراطی لائیک ترک و عرب نسبت به آن نیست. از سوی دیگر دورنما و افق دهشتناکی که گروه‌های سلفی مانند داعش از جغرافیای آینده کشورهای واقع در جنوب غربی آسیا ترسیم کرده‌اند، تصادفاً و به شکل اسرارآمیزی با نقشه‌های غربیان برای خاورمیانه بزرگ و نیز با طرح‌های الحاق‌گرایانه پان‌ترک‌های سده نوزدهم در راستای تشکیل «توران

بزرگ» همخوانی کامل دارد.

اخیراً در پی سربرآوردن جنبش مسلحانه گروههای تکفیری در عراق و سوریه شاهد آن هستیم که این گروهها از حمایت و پشتیبانی مالی - لجستیکی و سیاسی و مذهبی محافل با نفوذ لشگری و کشوری ترکیه برخوردار هستند که خود مؤید همخوانی و سازگاری اندیشه‌های پان‌ترکی با آراء سلفی‌گری تکفیری عرب و نسخه پنهان غرب برای به بردگی کشاندن مردم غرب و جنوب عربی آسیاست.

در این میان ایران و یکپارچگی آن همچنان مانع بزرگی در راه تحقق تورانی‌گری ترکان، با وجود علاقت تکفیری‌ها و شکل‌گیری یک خاورمیانه رام و اسیر در دست بلوک تمدن عرب است. تجزیه احتمالی ایران خدمت بزرگی به سه جریان غربی، پان‌ترکی و سلفی عربی و وهابی است و دست آنها را برای محاصره روسیه و چین و نیز انتقال تریلیون‌ها یگان و آرام جریان انرژی به جهان غرب باز می‌کند. به همین دلیل است که تکیه به دیگر کشورهای ترک آسیای مرکزی و جمهوری آذربایجان، اکثر کشورهای عربی، پاکستان و همگی پایگاه‌های نظامی در اختیار آمریکا می‌گذارند و پادو و غدا را بر سیاست‌های آن کشور هستند.

می‌توان پیدایش و تبلیغ پان‌ترکیسم را به امواجی متفاوت از نشر و ظرف زمان و ماهیت متولیان آن تقسیم نمود که به ترتیب عبارتند از:

- (۱) آفرینش پان‌ترکیسم در اروپا توسط یهودیان و قدرت‌های غربی
- (۲) تزریق پان‌ترکیسم به متن جامعه عثمانی توسط غربیان و یهودیان و پذیرش آن از سوی ترکان به اصطلاح متجدد عمدتاً در عثمانی و بعدها از طریق عثمانی در قفقاز

۳) ایجاد پان‌ترکیسم کنونی در آذربایجان ایران

آخرین موج این ناسیونالیسم افراطی به ویژه پس از انقلاب اسلامی از سوی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در نواحی ترک‌زبان ایران دامن زده می‌شود.

در این کتاب آنچه برای جوان ایرانی مهم دیده شده است، شناخت یکی از دیس‌های تبلیغی محافل و گروه‌های پان‌ترک در میان جوانان آذربایجانی است که آنان را «تاریخ‌نگاری پان‌ترکی» می‌نامیم.

از دیدگاه تاریخی پان‌ترک‌ها تنها با تبلیغات سیاسی، نفی موجودیت کشوری به نام ایران زیر وال بردن دستاوردهای تمدنی ایرانیان، طرح ادعای برتری زبان ترکی نسبت به زبان فارسی و سرانجام چند برابر نشان دادن جمعیت ترک‌زبان کشور نسبت به بقیه گروه‌های زبانی، نمی‌توانند جمعیت ترک‌زبان کشور را با خود همراه سازند مگر اینکه همه این ادعاها را با پشتوانه‌ای تاریخی و متکی بر اسناد تاریخی و تثبیت نمایند.

منظور اینکه پان‌ترک‌ها در پی شکل دادن به یک مغلوب خود به ترک‌زبانان ایران هستند و در این راستا به علم تاریخ نیاز دارند. ضروری دارند. تصادفاً چون مستندات تاریخی ایران و اسلام هیچ کمکی به تخریب و پروژه هویت‌سازی برای ترک‌زبانان ایران نمی‌کند، آنها ناگزیر شدند که گونه‌ای تاریخ‌نگاری غیرمستند مبتنی بر اغراق را به وجود بیاورند و هدف این کتاب نقد روش تاریخ‌نگاری پان‌ترکی و آشنایی با شیوه استناد و استدلال و نتیجه‌گیری آن است.

باور نگارنده این است که پان‌ترک‌ها در حال حاضر ناچارند به علم تاریخ روی بیاورند تا بتوانند جو و فضای مورد علاقه خود را ایجاد نمایند. در این

کتاب، با توجه به فاکت‌های تاریخی، تأکید شده است که پان‌ترکیسم و اندیشه برتری ترک بر غیرترک را خود ترکان پدید نیاورده و این سرود را انگلستان و کانون جهانی یهود یاد مستان داده‌اند.

باید پذیرفت که تمدن غرب هوشمندتر از دیگر تمدنها رفتار کرده است و تلاش برای تعریف و حتی ترسیم و شکل‌دهی هویت مردمان دیگر ملتها و نژادها از شناختن هوشمندی این تمدن است. تمدن اسلامی در برخورد با تمدن‌ها را جوامع غده‌مصلحانی که بر آنان تسلط یافته بود، یا اسلام را با روش‌هایی ملایم بر آنان عرضه می‌کرد و یا آنان را به مثابه پدیده‌هایی غیراسلامی و غیرمسلمان می‌پذیرفت و محدودیت‌هایی بر ایشان اعمال می‌نمود. برای نمونه تسلط اعراب بر مسلمانان بر یهودیان، مسیحیان قبطی و آرامی و ماندائیان بسیار ساده بود، به این معنا که آنان به مسلمانان جزیه می‌پرداختند و آزاد بودند که به مناسک و نیایش‌های خود بپردازند. در مقابل، اعراب به فراگیری زبان‌های عبری و قبطی علاقه نشان ندادند و هرگز نکوشیدند که وظیفه تعریف هویت نوین آن مردمان را به منظره‌ها درآوردن بیشتر یا تبدیل ایشان به مسلمانان عربی‌زبان برعهده گیرند.

مشابه چنین سیاستی در رفتار مسلمانان حاکم بر هند و هندوان هم به چشم می‌آید. حتی اگر به سده‌های پیش از اسلام بازگردیم امپراتوری‌های ایرانی نیز به دنبال آن نبودند که دین رسمی و زبان خود را به «ایران» تحمیل کنند و با شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی و اندیشه ملت‌های تابع، هویت این مردمان را بسته به منافع خود تعریف نمایند. بدین‌سان غربیان و یهودیان تابع کشورهای غربی از همان آغاز اوج‌گیری استعمار، توجه ویژه‌ای را به کشورها و جوامع اسلامی نشان دادند و بی‌گمان امپراتوری عثمانی به دلیل همسایگی

با اروپا و به عنوان نزدیکترین کشور بزرگ اسلامی به غرب، نه تنها می‌بایست مورد توجه قرار بگیرد بلکه مقدر بود که همچون دیگر جوامع غیرغربی جهان به میدان برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های استعمارگران نیز تبدیل گردد.

با نظرداشت به طرح هویت‌سازی استعمار برای شرقیان و گذاشته‌شدن این غلیفه به عهده یهودیان اروپایی، آشنایی با نظریه‌پردازان یهودی که اندیشه پان‌ترکیسم را بیرون از سرزمین‌های ترک‌نشین و بدون مشورت با ترکان پدید آوردند و سپس آن را به ایدئولوژی آنان تبدیل ساختند، از اهداف این کتاب است. به عبارت دیگر هدف کتاب این است که نشان دهد پان‌ترکیسم در غرب ساخته و پرداخته شد و ترکان هیچ مشارکتی در ایجاد آن نداشتند ولی البته بعدها تداوم و گسترش آن به همه خردترکان ساکن جنوب غربی آسیا گذاشته شد. در این اثر ضمن معرفی سه نظریه‌پرداز یهودی که در سده نوزدهم میلادی در ساخت تاریخ کنونی ترکان آسیا نقش ایفا کرده‌اند، نمونه‌هایی از نظریات تاریخی پان‌ترکی آنان ذکر و نقد می‌شود. به صورت اجمالی دوره‌هایی گوناگون از تاریخ ایران را دربر می‌گیرد.

همچنین پدیده‌ای به نام تاریخ‌نگاری اینترنتی نیز - که سخت مورد استفاده پان‌ترک‌هاست - به خوانندگان معرفی می‌گردد. بحثی که به نگارنده آغاز کرده است، جای کار بسیار دارد که در حوصله این مقال نمی‌گنجد اما امید است که موجب طرح پرسش‌های بنیادین و انجام پژوهش‌های گسترده‌تر و جامع‌تر توسط دیگران گردد.